



نگاهی به نقاط قوت و ضعف تفسیر «جامع البیان عن تأویل القرآن»

سیده زینب حسینی، پژوهشگر قرآن گفت: تفسیر جامع البیان عن تأویل القرآن با وجودی که ۱۰ قرن از تالیفش می‌گذرد، همچنان تفسیری تازه و مورد نقد و بحث علما و مفسرین و جزء منابع معتبر در تفسیر است.

سیده زینب حسینی، پژوهشگر قرآن گفت: تفسیر جامع البیان عن تأویل القرآن با وجودی که ۱۰ قرن از تالیفش می‌گذرد، همچنان تفسیری تازه و مورد نقد و بحث علما و مفسرین و جزء منابع معتبر در تفسیر است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: طبری در تفسیر جامع البیان عن تأویل القرآن هر کجا اختلاف قرائتی وجود داشته باشد، آن اختلاف را بیان و دلایل طرفداران هر یک از وجوه قرائت را مطرح، سپس خود بر اساس ضوابط و قواعدی یکی از وجوه را اختیار می‌کند. توجه به قرائات قرآنی در این تفسیر و نقد طبری بر قرائات نشان از تسلط طبری به علم قرائات دارد. در خصوص نقاط قوت و ویژگی‌های ممتاز این تفسیر با سیده زینب حسینی، پژوهشگر حوزه مطالعات قرآنی و مدرس حوزه به گفتگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید.

* نویسنده کتاب تفسیر جامع البیان که بود؟

نام او محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب است. ابو جعفر، محدث و فقیه و مقرئ و مؤرخ معروف و مشهور. وی یکی از ائمه علما بود که به سخن او حکم می‌کردند و به سبب معرفت و فضلش به رأی او رجوع می‌نمودند. از علوم چیزهایی گرد آورد که هیچیک از معاصرانش را گرد آوری آنها میسر نگردیده بود. حافظ و عارف به قرآن بود و بصیر به معانی آن و فقیه به احکام قرآن و عالم به سنن و طرق آن و شناخت صحیح و سقیم آن و ناسخ و منسوخ آن. نیز آگاه از اقوال صحابه و تابعین و کسانی که بعد از آنان بودند و اختلاف آنان در مسائل حلال و حرام. و عارف به ایام و اخبار مردم. نوشته‌اند که مجموع آثار طبری را به روزهای عمرش بخش کردند در هر روز چهارده ورقه بود.

* تفسیر جامع البیان را معرفی کنید؟

عنوان تفسیر جامع البیان در خود تفسیر طبری ذکر نشده، اما طبری در کتاب تاریخ خود (که قبل از تفسیرش نگاشته شده است) آن را جامع البیان عن تأویل القرآن نامیده و یا قوت حموی نیز در شرح احوال طبری، همین نام را آورده است. طبری تفسیر خود را با بحث‌های مقدماتی آغاز کرده، سپس روایت‌های ناظر به نزول قرآن را بر هفت وجه آورده و به ایراداتی که در این باب وجود دارد پاسخ گفته است. او پس از ذکر اخباری در رد تفسیر به رأی، تأویل مطلوب و مقبول قرآن را تنها منوط به وجود نصی از پیامبر می‌داند و دیدگاه کسانی را که تفسیر قرآن را ناروا دانسته‌اند، رد کرده و دلیل آن را تفسیر صحابه از قرآن ذکر می‌کند. طبری در نام گذاری سوره‌ها شیوه واحدی ندارد؛ برخی سوره‌ها را به نام مشهورشان آورده، ولی در مورد برخی دیگر از تعبیری نظیر «القول فی السورة التي یذکر فیها البقرة» یا «تفسیر السورة التي یذکر فیها یوسف علیه السلام» استفاده کرده است.

وی در تفسیر آیات، ابتدا آیه یا آیاتی را با عنوان «القول فی تأویل قوله تعالی» می‌آورد و غالباً با جمله «یقول الله جلّ ثناؤه» سخن خود را شروع می‌کند، سپس با نقل اقوال صحابه و تابعین، به تفسیر آیات می‌پردازد. سرانجام، پس از بررسی و توجیه اقوال، یا قول مرجح را بر می‌گزیند یا با اقامه دلیل در رد اقوال گوناگون، نظر خویش را بیان می‌دارد. طبری در موارد متعدد از روش تفسیر قرآن با قرآن برای تبیین آیات بهره جسته است. اما تفسیر او عمدتاً بر مبنای مرویات تفسیری از رسول اکرم و منقولات صحابه و تابعین، با ذکر سلسله سند کامل هر حدیث، تدوین شده است. هر چند که این تفسیر به سبب گستردگی بعد روایی، دچار آفت تفسیر نقلی شده و نقش اساطیر و افسانه‌های باستانی و اسرائیلیات را در آن نمی‌توان نادیده انگاشت؛ اما این مطلب بدین معنا نیست که تفسیر طبری شایسته پژوهش و بحث و بررسی نمی‌باشد.

این تفسیر با وجودی که ده قرن از تالیفش می‌گذرد، اما همچنان تفسیری تازه و مورد نقد و بحث علما و مفسرین است و جز منابع معتبر در تفسیر شمرده می‌شود. کمتر مفسری را می‌توان یافت که به قرائات توجه اساسی داشته باشد. طبری در تفسیر خود هر کجا اختلاف قرائتی وجود داشته باشد، آن اختلاف را بیان و دلایل طرفداران هر یک از وجوه قرائت را مطرح، سپس خود بر اساس ضوابط و قواعدی یکی از وجوه را اختیار می‌کند. توجه به قرائات قرآنی در این تفسیر و نقد طبری بر قرائات نشان از تسلط طبری به علم قرائات دارد.

* دلایل ابن جریر برای اختیار یک وجه از قرائت چه بوده است؟

تا زمان طبری هنوز بحث قراء سبعة به شکل تدوین یافته مطرح نبوده و لذا قاری خاصی تعیین نداشته است؛ بنابراین وی خود به اجتهاد در باب قرائات و تعیین قرائت درست می پردازد و در رابطه با مبحث قرائات کتابی تحت عنوان الجامع دارد که در آن معیارها و مقیاس هایی را بیان می کند که براساس آن به ترجیح یک قرائت بر دیگری می پردازد که به طور مختصر می توان به معیارهای زیر اشاره کرد:

موافقت با رسم المصحف، اجماع قراء با نقل مستفیض، قرائت دارای قوت وجه در عربی بوده و فصیح ترین در لغت باشد، رأی اکثریت قراء، یاری گرفتن از نظر اهل تأویل، هماهنگ بودن اسلوب با قرائت، درست دانستن وجوه مختلف هنگامی که مساوی باشند، تمسک به قرائتی که حجت است حتی اگر مخالف نظر خودش باشد، کسی که با قرائت عامه مخالفت می کند به شذوذ متهم می کند. وی در بسیاری از موارد هماهنگی قرائت با سیاق را مؤید یک وجه از قرائت دانسته و بر اساس آن قرائت خود را اختیار کرده است.

همچنین طبری به نقد قرائات نیز پرداخته است؛ مثلاً در هیچیک از مواضع اختلاف قرائت، قرائت عبدالله بن عامر یخصی- از قراء سبعة- قرائت مورد ترجیح طبری نیست؛ زیرا طبری قرائت عبدالله بن عامر یخصی از قاریان هفت گانه، را تخطئه کرده است. وی به خاطر همین نقد قرائات مورد تخطئه علما و محدثین قرار گرفته است تا جایی که کتابی تحت عنوان «دفاع عن القرائات المتواتره فی مواجهه الطبری المفسر» تألیف شده که در آن طبری مورد شماتت قرار گرفته است. این در حالیست که طبق گفته ابن الجزری، پیش از او نیز عده ای به نقد قرائات پرداخته بودند. طبری با ابن مجاهد هم عصر بود و در همان زمان که ابن مجاهد کتابی در باب قراء هفتگانه تدوین کرد، طبری تفسیر خود را ارائه نمود.

* ابن مجاهد کیست؟

ابن مجاهد شیخ القراء زمان خودش بود. او نخستین کسی است که قرائات را در هفت قرائت محصور کرد و کتاب «السبعة» را نگاشت؛ این کتاب تألیفی است در قرائات که مشتمل بر سند و طرق روایات و وجوه قرائات می باشد. با تألیف او بحث قرائات به دوران جدیدی منتقل می شود. بسیاری از اندیشمندان اعم از شیعی و سنی اصرار داشته اند تا تعداد وجوه قرائات و قاریان را به عدد هفت برسانند؛ انحصار قرائات در هفت قرائت توسط ابن مجاهد، موجب شد که برخی گمان کنند، این قرائات هفتگانه همان احرف سبعة است که در حدیث پیامبر ذکر شده است. در حالی که این تشابه عدد اتفاقی غیرعمدی از جانب ابن مجاهد بوده است. و هریک از این قرائات هفتگانه طبق قواعد و شروط معینی انتخاب شده است. اما در میان دانشمندان شیعه هیچ وجهی برای هفت دسته دانستن وجود ندارد؛ زیرا نزول قرآن بر هفت حرف با توجه به روایات مردود است.

اگرچه ابن مجاهد تألیفی در قرائت دارد و در زمینه شناخت قرائات عالم زمان خود بود، اما قرائت ویژه ای را برای خود انتخاب نکرد؛ به این دلیل که معتقد بود که بیش از هر چیز باید کوشش و فعالیت خود را در نگهبانی از آنچه ائمه قرائات بازگو کرده اند، به کار گیرد.

* با مطالعه قرائات در جامع البیان عن تأویل القرآن چه نتیجه ای حاصل می شود؟

مطالعه جامع البیان عن تأویل القرآن روشن می نماید این تفسیر نقاط قوت و ویژگی های ممتازی دارد که در دیگر تفاسیر کمتر دیده می شود. از مهمترین این ویژگی ها پرداختن به مسئله قرائات و نقد و بررسی آن و همچنین توجه به سیاق در آیات است. با مطالعه در تفسیر جامع البیان برای دست یابی به قرائت موردنظر طبری، به این نتیجه رسیدیم که طبری برای انتخاب یک قرائت نیازی به پیروی از شخص خاص یا سبک خاصی نداشته است. بلکه او خود به اجتهاد قرائت می پردازد و حتی برخی قرائات را نقد می کند. اما در بیشتر موارد به قرائت عاصم قرائت کرده است و قرائت عاصم قرائت مورد پذیرش و ترجیحی طبری است. این در حالی است که در دوره طبری هریک از ممالک اسلامی به سبک قاری منتخب خود قرائت می کرده اند.

اما در برخی موارد نیز طبری قرائت غیرعاصم را برمی گزیند؛ مثل واژه «مالک» در سوره حمد که در حالیکه عاصم قرائت «مالک» را برگزیده، طبری قرائت «ملک» را ترجیح می دهد و این نمونه ای از اجتهاد او در قرائت است.